

آیا هدف از خصوصی سازی حفظ منافع ملی است؟

مهندس آخوندی با بیان اینکه جامعه مهندسی کشور همچنان موتور محرک اقتصاد ایران است به بررسی موضوع «خصوصی سازی و روابط دولت-بازار در ایران» پرداخت و گفت: بیش از ۱۰ سال است که در ایران پیرامون خصوصی سازی صحبت می شود. و در برنامه اول، دوم و اخیراً در برنامه سوم توسعه کشور در رابطه با خصوصی سازی بحث های زیادی شده است.

چرا یک کشور اقدام به خصوصی سازی می کند و چرا در دهه اخیر خصوصی سازی گسترش یافته، زیربنایی ترین بحث و موضوعی است که جا دارد آن را مورد نقد و بررسی قرار داد. اگر دولت از صحنه اقتصاد کنار برود و کار را به نیروهای بازار بسپارد، فعالیت ها در حد قابل قبولی پیشرفت می کند و شاهد شکوفایی اقتصادی خواهیم بود. اولین کاری که باید در کشور برای خصوصی سازی صورت بگیرد این است که تکلیف مالکیت روشن شود. زیرا در ایران کمتر بر روی این موضوع بحث شده است و بیشتر راجع به «امنیت سرمایه گذاری» بحث می کنیم و اغلب با ملاحظات فراوان در این رابطه بحث می شود.

آیا خصوصی سازی به این مفهوم است که شرکت های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کنیم تا اینکه امنیت سرمایه گذاری را فراهم نماییم. با توجه به اینکه خصوصی سازی یک مفهوم بسیار پیچیده تر دارد در خصوصی سازی دولت باید از یک وضعیتی به وضعیت جدید استخاله پیدا کند و همینطور بازار باید از وضعیت موجود به وضعیت جدید تغییر کیفی پیدا کند و روابط بازار و دولت نیز می بایست به وضعیت دیگر استخاله یابد. وی سپس به تعریف واژه دولت و قدرت و حاکمیت آن پرداخت و گفت: براساس این تعریف دولت ها مستولیت سیاست گذاری و اجرای سیاست را به عهده دارند و هیچ نیروی خارجی نمی تواند آنها را موظف کند موضوع سیاسی، اقتصادی و... خاصی را

دنبال کنند وقتی می گوییم خصوصی سازی به معنای تغییر کیفی در دولت است آیا فقط با واگذاری شرکت ها این امر صورت می گیرد، یا اینکه باید نظام دولتمداری مان تغییر کند؟ در ایران دولت به عنوان موتور محرک اقتصاد کشور محسوب می شود، زیرا منابع زیرزمینی مانند نفت و معادن و همچنین کل نظام آموزش و پرورش و... را در اختیار دارد.

وی ادامه داد: اصولاً تلقی از دولت یک مفهوم تاریخی است و هر ملتی به تجربه تاریخی خود از دولت چیزی را می فهمد و لذا نمی توان یک تعریف واحد را به آن اطلاق نمود.

وی سپس به تعریف «بازار» پرداخت و گفت: در دنیای بازار این معناست که تحت شرایط مساوی رقابت صورت می گیرد و عرصه کنندگان و خریداران همه حضور دارند و اطلاعات به صورت شفاف به همگان ارائه می شود. آیا در ایران بازار به همین معناست.

آیا وقتی خصوصی سازی می کنیم، اصولاً مردم می توانند از منافع خود و بازار دفاع کنند؟ مهندس آخوندی با اشاره به اینکه از طرفی بازار و دولت نمی توانند بدون یکدیگر حرکت کنند، اظهار داشت: از نظر جامعه شناسی سیاسی میزان مداخله دولت یعنی برآیند نیروهای اجتماعی فعال در سطح یک جامعه که تعیین کننده میزان دخالت دولت در بازار است. لذا

اگر نیروهای اجتماعی برآیندشان عدم مداخله باشد، کاهش مداخله پیش می آید. وی سپس با اشاره به نقش جامعه مهندسی در اداره کشور اظهار داشت: تا وقتی تلقی از دولت در اذهان مهندسان ما تلقی «فعال» می باشد، است و دولت تعیین کننده روابط محسوب می شود، دیگر ضرورتی برای تغییر روابط بین دولت و بازار بوجود نخواهد آمد.

وی در ادامه در تعریف مفهوم خصوصی سازی گفت: آیا هدف

ما از خصوصی سازی این است که درآمد اقتصادی و کنترل آن را به سرمایه گذاران بخش خصوصی انتقال دهیم. زیرا مفهوم خصوصی سازی در جهان همان انتقال قدرت کنترل است.

در غیر این صورت وقتی کنترل در دست دولت باشد «خصوصی سازی» دیگر معنایی ندارد.

وی افزود: خصوصی سازی مستلزم یک نظام حقوقی مالکیت است، به نحوی که عدم قطعیت و تقابلهای را کاهش دهد. و برای اینکه انگیزه های مصرف بهینه و

یا نفع منافع را فراهم کند، آنچه بیرونی است را باید درونی سازد. همچنین جایابی و باز توزیع مجدد منافع و منابع قدرت بین نیروها و نهادهای اجتماعی موجود در جامعه، که در نتیجه موجب بسیج نیروها و نهادهای مدنی برای تصاحب سهم بیشتر، تغییر اولویتها و استخاله درونی ساختار آنها می گردد.

وی اضافه کرد: برای ایجاد خصوصی سازی باید نهادهای بازار به وجود بیاید، تأمین حقوق مالکیت انجام شود، قیمت گذاری صورت بگیرد و بعد روش فروش به اجرا درآید.

در خصوصی سازی دولت باید به بازار اطمینان بدهد که هیچگاه نمی خواهد از تصمیم خود مبنی بر واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی بازگردد.

لذا در این مرحله باید حساسترین وظیفه ترین نقش خود را ایفا کند و از مداخله در امور آنها بپرهیزد.

مهندس آخوندی با بیان اینکه در انگلستان ۱۰ سال طول کشید تا خصوصی سازی صورت گرفت، گفت: «برای تحقق خصوصی سازی دولت باید ثابت کند که به تعهداتش وفادار است و هیچگاه از قدرت خود برای از بین بردن آن استفاده نمی کند.

وی افزود: همچنین در مواقعی که بحران رخ می دهد دولت باید به اصول تدوین شده پایبند باشد و ثابت کند که به منطبق بازار احترام می گذارد.

همچنین دولت با قیمت گذاری ارزانتر سهام در مرحله اول واگذاری و فروش تدریجی سهام به بازار علامت می دهد که نسبت به تصمیم خود آگاه است و در عمل پابندی خود را به آن اثبات می کند.

دولت در رویارویی با بیای آمدهای ناشی از خصوصی سازی معمولاً یکی از این سه سیاست را انتخاب می کند. ۱- وفاداری به اصول بازار ۲- خود مستقیماً به توزیع مجدد منافع اتخاذ تصمیم نماید ۳- سیاستی را بین این دو مورد اتخاذ نماید.

حقوق مالکیت - دولت و بازار

مهندس آخوندی پیرامون حقوق مالکیت اظهار داشت: حقوق مالکیت، حقوق فردی است و حقوق دولت حقوق جمعی است. رابطه حقوق دولت و حقوق فردی در جامعه مانند رابطه صاحبان اکثریت و اقلیت سهام در درون شرکتها است.

خیلی ها فکر می کنند اول باید حقوق مالکیت به وجود بیاید و سپس بازار شکل بگیرد، حال اینکه موضوع عکس آن است اول بازار به وجود می آید و بعد حقوق مالکیت را تعریف می کند. مانند حقوق مالکیت معنوی و مالکیت بر نرم افزارها که اول بازار به وجود آمد بعد کپی رایت ها مدااول شد، قوانین وضع گردید.

بنابراین حقوق مالکیت را بازار تعریف می کند و مفهومش این است که جوامع صنفی ما اگر منتظر باشند که دولت برای آنها حقوق مالکیت تعیین کند هرگز اینگونه نخواهد شد.

لذا این مجامع صنفی هستند که باید دنبال حق خود بروند، زیرا حق گرفتنی است. براساس مطالعاتی که انجام داده ام در ایران هیچ مجمع صنفی دنبال حق قانونی خود نرفته است و این مسئله مهم تر از ایجاد خصوص سازی در کشور می باشد.

وی در پایان نتیجه گیری کرد که اتخاذ سیاست شفاف در زمینه روابط دولت و بازار مقدم بر

سیاست خصوصی سازی است
همچنین استقرار و توسعه
نهادهای بازار مقدم بر واگذاری
سهام شرکتهای دولتی می باشد.
از سوی دیگر هیچ روش
مشخصی برای جلب اعتماد
عمومی به سرمایه گذاری و وجود
امنیت اقتصادی، جز تصحیح رفتار
دولت در عمل وجود ندارد. در
نهایت بازار مستقل از دولت است
که می تواند حقوق مالکیت را در
عمل تضمین نماید و هزینه مداخله
دولت در بازار را افزایش دهد.